

## بخشید یک لحظه

شهید تورج مطلق:برادر حزب الله جبهه را گرم نگه دار و هر کس مدعی است اگر امروز عاشورا بود جزء یزیدیان نبود باید پای در عرصه ی جنگ بگذارد و در عمل ثابت کند و در راه حسین (ع) جان دهد. پس سعی کنید جبهه را گرم نگه دارید.

ویژه نامه ی اختتامیه اردوی فرهنگی زیارتی راهیان نور سال ۱۳۹۴ - دانشگاه علوم پزشکی مشهد

## نشریه زاویه

ویژه نامه

۹۴

آماده شهادت



ویژه نامه ی اختتامیه اردوی فرهنگی زیارتی راهیان نور سال ۱۳۹۴  
دانشگاه علوم پزشکی مشهد

# ...ودانش چه

## ای خالق رؤوف

شهادت را نه برای فرار از مسئولیت های اجتماعی ، و نه برای راحتی شخصی می خواهیم. بلکه از آن جا که شهادت در راس قله کمالات است و بدون کسب کمالات، شهادت میسر نمی شود، من با تقاضای شهادت در حقیقت از خدا می خواهم که وجودم سراسر خدایی شود و با کشته شدنم در راه دین اسلام، خود او بر ایمان و صداقت و پایمردی ام، و در راه عشق بودنم، مهر قبولی زند!



**آنچه می خوانید:** آشنایی بایک هم دانشگاهی آشنا ولی غریب... (هر دو شماره) // زندگی بی زن جریان داره؟! // پنج دقیقه با من باش همیشه اون چیزی نمیشه که ما فک میکنیم! (شماره بعد) // با دوستان مروت با دشمنان مدار! (شماره بعد) // جایزه بی جایزه

www.313135.com

حکومت ری در ازای سر حسین،

معامله حقیر است، عمر سعد

باید حکومت سلیمان نبی

را طلب می کرد جاریه،

تو و شهرت آرزوی شاه بانویی

وپادشاهی ملک ری را

به گور می برید،

این وعده پسر پیامبر است.

ای علی آرزو میکردم که بعد از هزار و چهارصد سال انقلاب اسلامی ما پیروز شود. حق و عدل مستقر شود. حکومتی نظیر حکومت تو برقرار گردد، عشق و محبت بین مردم انتشار پیدا کند. ایمان و عرفان در قلوب مردم جایگزین شود، طاغوت ها از بین بروند. انسان ها از همه قید و بند های مادی و سیاسی و اجتماعی آزاد شوند ...

خدایا با کمال تعجب میبینم که ظلم و ستم به نامی دیگر رخ می نماید. ربا و فریب در لباس زهد و تقوا، خود را می آراید تا جامعه را تسخیر کند. افرادی ناچیز و بی تقوا با تهمت و شایعه، شیعیان راستین علی را بکوبند تا از صحنه خارج کنند. ای علی!! ای علی! به من تهمت زدند مرا محکوم می کردند به من فحش میدادند زیرا تو را دوست دارم... زیرا من خواسته ام شیوه تو را پیاده کنم. " این جملات صدای مظلومیت شیرمردی به نام مصطفی چمران است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران گروه هایی بودند که تا قبل از سال ۵۷ بی دین یا حتی ضد دین بودند ولی وقتی احساس کردند آینده این انقلاب دینی و اسلامی است به تظاهر رو آورده و سعی کردند خود را به امام و اصحاب راستینشان نزدیک کنند. همان منافقینی که شایعه می ساختند و تعدادی از مردم را تحریک میکردند تا به هر مناسبتی مرگ بر بهشتی بگویند. همان کسانی که در سال های جنگ هم دنبال ایجاد جنجال های سیاسی بودند.

البته وضع همه اینگونه نبود، تعدادی از یاران انقلاب در شرایط سختی و مشکلات پای کار بودند ولی وقتی وضع بهتر شد به عافیت طلبی روی آوردند، که این قصه ی تکراری تاریخ است در زمان مولا علی هم کسانی بودند که با بار شتر به میدان جنگ میرفتند و کنیز و قصر و زرو زیور زندگی را ترک میگفت و به امامش یاری میرساندند، البته زندگی خوب در دنیا عیب نیست، عیب وابسته شدن به آن هاست به حدی که نتوانی در مواقع حساس آنها را کنار بگذاری و از ترس از دست دادن تجارت و اموالت حسین(ع) را تنها بگذاری...

باید حق را شناخت تا آدم ها را با خط کش حق شناخت نه با شخصیت ها. چه بسیار آدم های خوبی که منحرف شدند مگر نه اینکه شمر جانباز جنگ صفین بود و عمر سعد همبازی کودکی امام حسین(ع)!!

## کافه تأمل

به نظر شما چه کسی میتواند ادعا کند تاریخ تکرار شدنی نیست؟  
چه کسی میتواند بگوید کسی که قبلا در راه خدا خدمت میکرده الان هم به آرمان هایش پایبندست؟  
و چه کسی میتواند ادعا کند حق، افق های متعددی دارد؟! در حالی که خدا یکیست و راه هم یکیست؟  
پس چرا دیگران در انتخاب راه اینقدر منشعب می شوند؟! آیا همه راه درست را میروند؟





**اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:**

معصومه احمد نژاد،کلثوم افلاکیان، فروغ براتیان، زینب

حیدری، ساجده صالح شریفی،فائزه گردنوشهری

سرمقاله

## سوی چراغ

بعد از گذران ایامی با شهدا حال وقت بازگشت رسیده،چه چیزی تو را اینقدر مشوش کرده؟شوق دیدار خانواده بعد از هفت روز یا غم جداشدن از این جا؟!

قلمم دیگر نمینویسد گویا او هم نمیداند چه حالی را روی کاغذ بیاورد؟!از بار مسئولیتی که بردوش خود احساس میکنیم بگوید یا از دلتنگی وحال خداحافظی؟!

به نظرت بهتر نیست با دوستانمان یک فکر اساسی برای بعد بکنیم؟آیا همه چیز همین جا تمام میشود؟!

خستگی سفر، مجال اندیشیدن را از من گرفته!نمیتوانم بگویم چه کاری و چه هدفی از همه چیز اساسی تر است!

نمیدانم چرا شهدا مرا دعوت کردند و حال، مرا آسوده دوباره به همان زندگی همیشگی برمبگردانند؟!

استادی گوشه ی خاکزیز به من گفت : شهدا تو را تنها نمیگذارند بلکه این تو هستی که تنهائیش گذاشتی و گرنه او همیشه و همه جا با آموزه هاهیش کنارت هست، تنها کافیتست با کسب بصیرت و شناخت راه های نفوذ دشمن قدمی در راستای ارتقای جامعه مهدوی برداری.

والسلام



### نشریه زاویه

گاهنامه سیاسی فرهنگی اجتماعی

صاحب امتیاز : بسیج دانشجویی

دانشکده پرستاری و مامایی

مدیر مسئول: محمد حاج زاده

سرمدبیر: زهرا قادری

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف

الفبا:معصومه احمدنژاد، کلثوم افلاکیان،

فروغ براتیان، زینب حیدری، ساجده

صالح شریفی،فائزه گردنوشهری

صفحه آرای و چاپ:موسسه فرهنگی

مقداد ۳۷۱۳۷۳۸۰

شماره مجوز: 94/2/23 - ش/ک/456

#### بخشید یک لحظه

در عصر کنونی روح و روان انسان ها در پی ارتباط با تجملات

و زینت های دنیایی به هم ریخته است، شاید در گذشته کسانی

که تجملات داشتند، نمی گذاشتند دیگران حسرت بخورند و

زمینه انقلابی بودن از دست برود، اما کلیشه های اعتقادی

امروز دچار نوعی تزلزل شده است، اگر از سبک زندگی مراقبت

و مدیریت نکنیم، منفعل خواهیم شد



### ترکشی های نفوذی

این روزها در خبر گزاری های مختلف سخن از جنگ و کشتار است.از دور

ترین نقطه ی دنیا گرفته تا سوریه وهمسایگانمان،همه در گیر جنگ و دفاع

مقدس از کشورشان هستند.

جنگی که به ظاهر برای ما تمام شده والان فقط خاطره ای از آن باقی مانده است.به راستی تکرار کردن این همه خاطره از جنگ به چه دلیل است؟مگر نه اینکه جنگ به پایان رسیده و دیگر لزومی به تکرارش نیست؟

درست است جنگی که با ریختن خون هزاران جوان همراه بوده ظاهرا به اتمام رسیده ولی آیا واقعا جهاد نیز به پایان رسیده؟به راستی وجه تشابه حال فعلی ما وحال گذشته شهدا و رزمندگان اسلام چیست؟

آنان در برابر تجاوز دشمنان ایستادند و نگذاشتند دشمنان در حریم خانواده شان وارد شوند.آنان نهایت سعی خود را برای برگرداندن عزت ملی به کشورشان به کار بردند و با اینکه تمامی کشورهای جهان با آنها به مبارزه برخواسته بودند با قدرت ماورائی ایمان و اخلاص خود توانستند با تمام بی امکاناتی ها بسازند و جهادی به یاد ماندنی بکنند.

دشمن آشکار ما با ۸ سال جنگ سرد نتوانست با ایمان و اخلاص رزمندگان مبارزه کند ولی حال با نقشه ای جدید دست به تجاوز و نفوذ به کشورمان زده...

اگر دیروز با توپ و تانک،برادران و پدران ما را نشانه می گرفتند،امروز با ترکش های رسانه های خود اقدام به کشتار جمعی کودکان و زنان مازده اند...

اگر دیروز با تیر باران، جوانان ما را به شهادت میرساندند امروز با در خواب کردن آنها نقشه های شوم خود را اجرایی می کنند...

آری امروزه دشمنان با موج بی تفاوتی که در جوانان ایجاد می کنند به مراتب تا ثیر گذارتر از تیر باران هایی عمل میکنند که در جنگ سرد اتفاق می افتاد.

امروزه نیز صحنه های جنگ در حال تکرار شدن است وامروز هم وظیفه ی ما نه تنها همچون گذشته بلکه به مراتب بیشتر از رزمندگان اسلام است،زیرا جنگ نرمی که از خیلی قبل تر شروع شده امروزه نه تنها جوانان را بلکه کودکان درون رحم مادرانشان را نیز نشانه گرفته و از قبل برای آنها برنامه ها چیده...

پس وظیفه ی ما در برابر جلوگیری از تعدی دشمن به کانون گرم خانواده مان این است که با شناخت این آفات سعی در دفاع از تمامیت ارضی خانواده و جامعه مان کنیم...

و نگذاریم جامعه ی اسلامی منتظر ظهور به جای پیش رفتن به سمت تمدن اسلامی عقب نشینی کرده و به سمت تمدن غربی افول کند...

#### بخشید یک لحظه

شهید محمد مجازی،ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی

(ع) در محراب عبادت شهید شد و مبادا درحال بی تفاوتی بمیرید

که علی(ع) و حسین(ع) در راه حسین و با هدف شهید شد.

## آشنایی با یک هم دانشگاهی آشنا ولی غریب...

**فعالیت های بعد از انقلاب**

فرصت کوتاه نمایندگی او، دوره ای پرتحرک بود. سخنرانیهایش در مجلس، مهدیه و بعضی از مساجد تهران، بسیاری از خطوط انحرافی احزاب، گروهها و روزنامه ها را افشا کرد. پیش بینی های شهید قبل و بعد از شهادتش عموما به واقعیت تبدیل شد، حتی در یکی از سخنرانیهایش، که احتمال دارد آخرین سخنرانی آن شهید باشد، (در سوگ شهید چمران) عوامل اصلی که بعدها سبب جناح بندی نیروهای انقلابی و یاران انقلاب و باعثتقویت عناصری گردید که امروزه علنا و لایت فقیه، قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی، دولت و سایر نهادهای نظام را زیر سؤال می برند، با دلایل و شواهد کافی معرفی کرد.

شهید... اولین کسی بود که قبل از ریاست جمهوری، افکار بنی صدر را مطالعه و نقادی نموده و نقاط ضعف بینش التقاطی وی را یافته بود و افکار او را در کتاب هایی مثل تعمیم امامت، مخالف ولایت فقیه می دانست. لذا با ریاست جمهوری او مخالفت کرد و اعلام کرد:

" ریاست جمهوری بنی صدر برای اسلام و جامعه اسلامی ایران یک فاجعه است" و برای آن که این مخالفت در شعار و اندیشه خلاصه نشود با جمعی از دوستان مجمع به عنوان اعتراض در محل روزنامه انقلاب اسلامی تحصن کردند

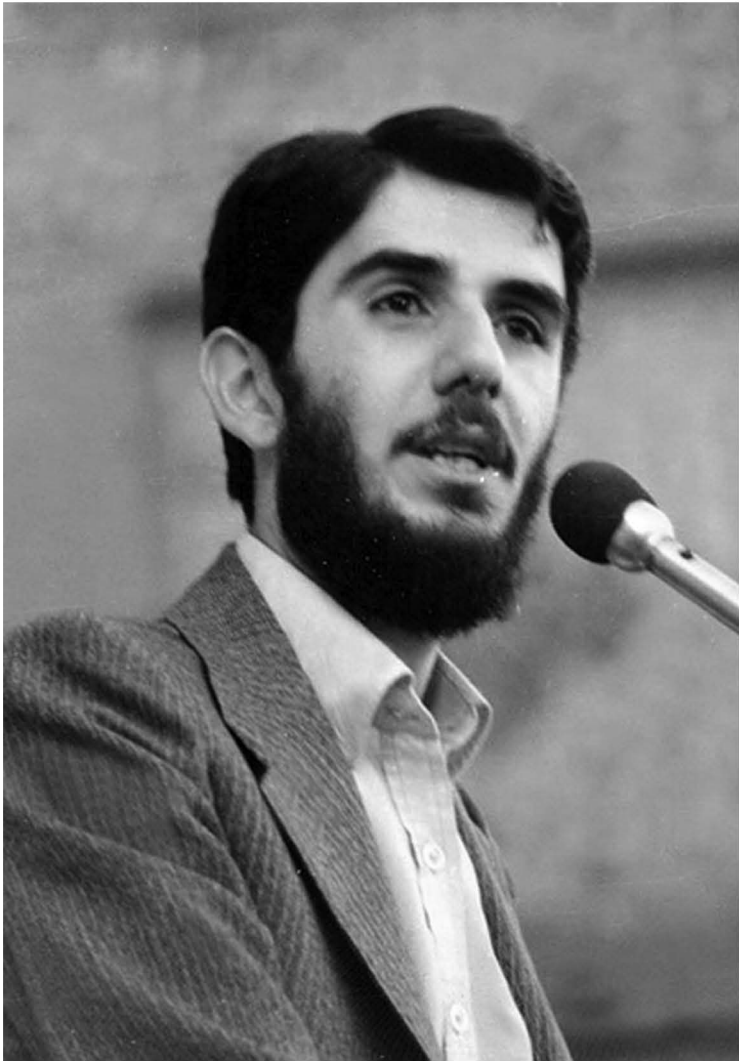
بسیاری در آن روزگار این حرکت ها را تند و با شتاب، یا به نوعی، افراطی گری می دانستند اما او که التقاط این مبانی برایش آشکار بود و اشخاص و گروه ها را با محک ارزش ها و عقاید دینی می سنجید، بنا نداشت که با هیچ کس بر سر اصول و ارزش ها معامله کند.

نکته ای که نباید از آن غفلت کرد باور جدی شهید به جایگاه مرجعیت و روحانیت اصیل شیعه بود ، او فقاھت شیعی را ملجأ و مرجع مردم می دانست و بر عکس بسیاری از روشنفکران دانشگاهی آن عصر که اگر حرفی برای گفتن داشتند عاداتا روحانیت را مورد هجوم قرار می دادند ، او همواره مدافع حریم مرجعیت و در رأس آنان ولایت فقیه بود. با نخست وزیری شهید رجایی و شناخت او نسبت به وی، شهید رجایی او را به عنوان اولین گزینه برای پست وزارت خارجه در نظر گرفته بود؛ چرا که او ضمن تحصیلات دانشگاهی و حوزوی مسلط به زبانهای انگلیسی و عربی نیز بود و تا حدودی با زبان فرانسه نیز آشنایی داشت. او پس از این پیشنهاد شهید رجایی مطلب را با دوستان و شاگردانش در میان گذاشت و در نهایت تصمیم گرفت آن را نپذیرد؛ چرا که قبول این پیشنهاد او را از فعالیتهای فرهنگی اش این بار به عنوان نماینده مردم و در جهت آگاه ساختن مردم باز می‌داشت.

در مجلس نیز با توجه به حساسیت امور شوراها و مانور گروه‌های مختلف درمورد آن و آگاهی‌های شهید در مورد آن، در کمیسیون مربوط به امور شوراها به فعالیت پرداخت. او جوانی بود که با مرزبانی از حوزه تفکر شیعی درین راه پرچم افراشته بود و همین امر نیز سبب شد که هدف سهمگین ترین تبلیغات سوء دشمن قرار گیرد تا آنجا که حقایق و واقعیات شخصیت او علی رغم همه فضایلش بر بسیاری از دوستان نیز پوشیده و پرده های ابهام همچنان باقی ماند و سرانجام یکشنبه ۷ تیرماه ۱۳۶۰ در حادثه انفجار بمب کینه توسط منافقین در حزب جمهوری اسلامی به همراه ۷۲ تن دیگر از یاران امام (ره) به شهادت رسید .

پیکر پاکش درقم در صحن مطهر حضرت معصومه (س)( مقبره شهید مفتح ) به خاک سپرده شد تا یکبار دیگر تجلی عملی همه کوشش هایی باشد که به جهت ایجاد وحدت حوزه و دانشگاه از این مجاهد جوان تبلور یافت.

نویسنده:هم‌دانشگاهی



– اولین کسی بود که قبل از

ریاست جمهوری، افکار بنی

صدر را مطالعه و نقادی نموده و

نقاط ضعف بینش التقاطی وی

را یافته بود.

– بسیاری در آن روزگار این

حرکت ها را تند و با شتاب، یا

به نوعی، افراطی گری می

دانستند اما او که التقاط این

مبانی برایش آشکار بود بنا

نداشت که با هیچ کس بر سر

اصول و ارزش ها معامله کند.

– او جوانی بود که با مرزبانی از

حوزه تفکر شیعی درین راه

پرچم افراشته بود و همین امر

نیز سبب شد که هدف

سهمگین ترین تبلیغات سوء

دشمن قرار گیرد

## کافه تامل

به راستی باخود اندیشیده ای

دقیقا شیوه ی نفوذ دشمن

چیست؟آیا تعریف تو از نفوذ

دشمن به خانواده ات با تعریفی

که شهدا میکردند یکيست؟

به راستی چه شد که آنهارفتند

وما ماندیم؟به راستی تا کی

اینقدر حرف های کلیشه ای

بزنیم و مفهوم واقعی عملکرد

شهدا را درک نکنیم؟!